

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



قطعنامه درباره انقلاب جاری در ایران

مصوب دفتر سیاسی به اتفاق آراء

۱- جنبش توده ای که از خرداد ۱۳۸۸ شروع شد سر آغاز یک انقلاب عظیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. این جنبش از نظر شرایط عینی اجتماعی و سیاسی میتواند در ادامه خود با سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه به پیروزی برسد. پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی حاضر به فعالیت و دخالتگری حزب کمونیست کارگری و تأمین رهبری حزب بر جنبش انقلابی گره خورده است.

۲- جنبش انقلابی حاضر، که در قدم اول در شکل تظاهرات و تجمعات گسترده توده ای و میلیونی ابراز وجود کرد، همچنان ادامه دارد، و شرایط تعمیق و رادیکالیزه شدن و پیشرویهای بیشتر خود را فراهم می آورد. بهم ریختگی و آشفتگی صفوف حکومت، رشد تنفر و انزجار عمومی مردم در ایران و در سطح جهانی از رژیم اسلامی و تضعیف موقعیت حکومت در سطح جهانی و در رابطه با دولتها و نهادهای بین المللی همه از جمله دستاوردهای تا کنونی جنبش انقلابی حاضر است. امروز دیگر چهره جمهوری اسلامی نه با پروژة هسته ای و ضد آمریکائی گری و مستضعف پناهی و دخالتگری در عراق و لبنان و فلسطین و رابطه اش با دیگر نیروهای تروریست اسلامی، بلکه با کشتار مردم در خیابانها و تجاوز و شکنجه در زندانها و وحشیانه ترین جنایات علیه بشریت که اسناد آن در برابر چشم مردم جهان قرار دارد؛ رقم میخورد. شرایط سیاسی در ایران کاملاً به نفع انقلاب و توده مردم و به ضرر حکومت اسلامی و کلیه نیروهای ضد انقلابی تغییر کرده است. بر متن این شرایط به زیر کشیدن و محاکمه و محکوم کردن جانبداران حاکم، یک هدف فوری انقلاب و سکوی پیشروی آن به مراحل عالی تر است.

۳- انقلاب جاری از نظر مضمون ادامه جنبشهای اعتراضی کارگران و زنان و دانشجویان و جوانان و برآمد انفجاری جنبش سرنگونی طلبانه ای است که با شورش ۱۸ تیر ۷۸ آغاز شد و در ده ساله اخیر در قالب اعتصابات وسیع و هرروزه کارگری، مبارزات جوانان و دانشجویان، جنبش مداوم زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسی- که حکومت به اسم جنبش بدحجابی مدام به آن حمله میکند-، جنبش دفاع از حقوق کودک، شورشهای متعدد شهری،

جنبش علیه اعدام و علیه سنگسار، و تجمعات و اعتراضات هر ساله بمناسبت روز جهانی کارگر و روز جهانی زن و روز دانشجو و روز جهانی کودک بروز پیدا کرد. جنبش حاضر در مضمون و از نظر مبانی عینی شکل گیری و خواستها و آرمانهای خود یک جنبش چپ و رادیکال با گرایش قوی برابری طلبی و آزادیخواهی کارگری است. نفس بروز و سر برآوردن این انقلاب نشانه حضور و نفوذ قدرتمند آرمانها و سیاستها و آلترناتیو چپ است که به وسیله حزب در تمام دوره فعالیتش نمایندگی و پراتیک شده است.

۴- امکان به میدان آمدن میلیونی توده های مردم بر سر مسأله قدرت و شروع انقلاب جاری را تشدید بیسابقه کشاکش جناحهای حکومتی، که بنوبه خود ناشی از بالا گرفتن نارضایتی ها و اعتراضات مردم بود، فراهم آورد. اساس اختلاف میان جناحهای حکومتی، مانند اختلافاتی که از زمان بنی صدر تا امروز در صفوف حکومت همیشه وجود داشته است، بر سر شیوه های متفاوت حفظ نظام از "خطر" جنبش انقلابی مردم است. اما نزاع اخیر میان باندهای حکومتی، برخلاف دوره های گذشته، به چنان درجه ای از حدت رسیده است که دیگر چتر ولایت فقیه قادر به حفظ وحدت و انسجام صفوف حکومت نیست. این واقعیت، که از همان مناظره تلویزیونی کاندیداهای انتخاباتی بر مردم عیان شد، در واقع سوت آغاز حرکت توده ای مردم برای حذف کل حکومت را به صدا درآورد.

۵- جناحهای حکومتی یکدیگر را به کودتا و انقلاب مخملی علیه هم دیگر متهم میکنند. اما این شیوه ها در واقع سیاستهای مختلفی است که از سوی جناحهای حکومت در برابر حرکت انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم اتخاذ شده است.

جناح خامنه ای - احمدی نژاد برای درهم کوبیدن حرکت مردم سرکوب وحشیانه و کشتار عریان را در دستور گذاشت. هدف این شیوه وحشیانه، که در سیاست ارتجاع جهانی به عملیات "شوک و بهت" معروف است، تروریزه و شوکه کردن جامعه و درهم کوبیدن مردم بپاخاسته با اعمال شنیع ترین کشتارها و جنایتها است. جمهوری اسلامی از مدتها قبل از جمله با طرح امنیت اجتماعی و مانور ناجا خود را برای این عملیات علیه انقلاب مردم آماده میکرد و با برآمد جنبش توده ای با تمام توان جهنی خود آنرا به اجرا در آورد اما در نهایت نتوانست جامعه را مرعوب و مختنق کند و از نظر سیاسی شکست خورد.

شیوه جناح رفسنجانی - موسوی و دنباله آنها در "اپوزیسیون خودی" و رانده شده از درگاه جمهوری اسلامی در مقابله با جنبش توده ای مردم برای سرنگونی نظام، تلاش برای محدود کردن جنبش در چارچوب نظام، اسلامیزه کردن جنبش و در نهایت خنثی و عقیم گذاردن آنست. "موج سبز" و "جنبش سبز" و نظایر آن نامی است که ملی اسلامیون بر جنبش انقلابی مردم اطلاق میکنند تا آنرا در جهت تغییرات درون حکومتی دلخواه خود محدود کرده و به شکست بکشانند. این سیاست تغییرات درون حکومتی برای حفظ نظام یک بار در دروه خاتمی شکست خورده است و امروز نیز بهیچوجه قادر به کنترل و تحریف انقلاب حاضر نیست. خواست و نیاز مردم ایران نه تغییراتی در حکومت بلکه خلاصی از کل نظام جمهوری اسلامی است و با پیشرفت جنبش انقلابی جاری این ضرورت بیش از پیش و به شکل صریح تر و علنی تری در مبارزات مردم متجلی میشود.

۶- شروع انقلاب حاضر نه تنها بشارت دهنده پایان عمر جمهوری اسلامی، بلکه در عین حال در یک سطح اجتماعی اعلام شکست و بی اعتباری سیاسی و اجتماعی نسخه ها و پروژه های کل نیروهای اپوزیسیون بورژوائی، ملی اسلامیون و احزاب ناسیونالیست عظمت طلب و جریانان فدرالیست و قوم گرا، است. نسخه های استحاله و تغییرات تدریجی، رژیم چنج و انقلاب مخملی و بحران آفرینی در مرزها و فدرالیسم و رفراندوم و تغییر

قانون اساسی و نافرمانی مدنی و غیره، عملاً و در پراتیک اجتماعی مردم به حاشیه رانده شده و بدیل انقلاب و تغییر بنیادی وضع موجود در دستور روز توده های بجان آمده مردم قرار میگیرد.

۷- روند انقلاب جاری به سرعت و بیش از پیش احزاب و نیروهای سیاسی را به دو صف نیروهای انقلابی و ضد انقلابی، نیروهای طرفدار حفظ نظام حاکم، حداکثر با تغییراتی در شکل نظام، و نیروهای خواهان سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی تقسیم میکند. این در واقع بخشی از روند پولاریزاسیون طبقاتی جامعه به دو کمپ طبقاتی کارگر و سرمایه دار است.

۸- احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون بورژوائی - نیروهای متعلق به جنبش ملی-اسلامی، جنبش ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، و جریانات ناسیونالیست قومگرا - هر یک تلاش میکنند در جهت اهداف و سیاستهای خود بر جنبش انقلابی مردم تاثیر بگذارند و آنرا به انحراف و نهایتاً به شکست بکشانند. این نیروها در هراس از "خطر" انقلاب، بیش از پیش بطور مستقیم و یا غیرمستقیم در برابر جنبش انقلابی مردم و خواستههای برحق آنان قرار میگیرند. امروز نه تنها طیف وسیع نیروهای ملی- اسلامی و دو خردادیون قدیم و جدید، که پاره ای از تن رژیم هستند و همواره تعهد خود به حفظ نظام را اعلام داشته اند، بلکه نیروهای اپوزیسیون بورژوائی مدعی سرنگونی جمهوری اسلامی، مانند حزب مشروطه و سازمان مجاهدین، تا اطلاع ثانوی از همان سرنگونی طلبی نیم بند خود نیز دست شسته و در کمپ موسوی و نیروهای خط استحاله رژیم قرار گرفته اند.

۹- در برابر نظام حاکم و نیروهای بورژوائی مدافع آن، صف آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری، جنبش سکولاریستی پیگیر علیه مذهب و دخالت مذهب در دولت و قوانین و زندگی اجتماعی، خلاصی فرهنگی و مدرنیسم، و رهائی بی کم و کاست زن قرار گرفته است. این ها مؤلفه های تشکیل دهنده یک جنبش انقلابی و انسانی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که در چند سال اخیر با افت و خیز اما بطور مداوم در جامعه جریان داشته است. حزب کمونیست کارگری به شهادت تمام فعالیتها و مواضع و سیاستهای خود، حزب این صف است، صف انقلاب و آزادیخواهی و برابری طلبی بی تخفیف را نمایندگی و رهبری میکند و تمام تلاش خود را بر استحکام، شفافیت و پیشروی و پیروزی این صف قرار داده است. پیروزی این جنبش انقلابی و انسانی در گرو ایفای نقش فعال حزب کمونیست کارگری است.

۱۰- شروع انقلاب در ایران در سطح جهانی اعلام پایان یکدوره سیاه در تاریخ معاصر است. دوره ای که ویژگی آن یکه تازی میلیتاریسم دول غربی و ارتجاعی ترین نیروهای بورژوازی غرب از تاجریسم تا ریگانیسم و بوشیسم، و سر بر آوردن جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی و حضور نیروهای قومی- ملی- مذهبی در جوامع باقیمانده از اردوگاه بلوک شرق بود. دوره ای که جهان متمدن و مردم شریف دنیا در چنگال جنگ تروریستها و مدل ریاضت کشی اقتصادی مکتب شیکاگو و نسبییت فرهنگی فشرده میشد و هر حرکت اعتراضی در خاورمیانه و آفریقا و اروپای شرقی و جمهوریهای بازمانده شوروی با پرچم قومیت و ملیت و مذهب خود را بیان میکرد. جنبش حاضر اولین حرکت انقلابی و آزادیخواهانه توده ای و بروز اجتماعی اعتراض جهان متمدن به دوره سیاه سی ساله اخیر در ایران و در جهان است. استقبال و ابراز حمایت پر شور نیروهای آزادیخواه و پیشرو و مردم شریف دنیا از شکل گیری انقلاب حاضر در ایران یک بروز مشخص این واقعیت است.

جنبش انقلابی حاضر در روند پیشروی و رایکالیزه شدن خود و نهایتاً با جارو کردن نظام جمهوری اسلامی، تئوریها و گرایشات ارتجاعی نظیر مستضعف پناهی و ضد آمریکائی گری اسلامی و همچنین دکتترین نسبییت

فرهنگی و انقلاب مخملی و رژیم چنچ را رسوا و بی اعتبار خواهد کرد و به اسلام سیاسی و ارتجاع میلپتاریستی غرب در سطح جهانی ضربه ای اساسی وارد خواهد آورد.

۱۱- در برابر جمهوری اسلامی و الگوهای داخلی و جهانی بورژوازی برای سرکوب و به انحراف کشیدن انقلاب مردم، آلترناتیو کمونیسم کارگری یعنی انقلاب توده ای برای سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی با پرچم آزادی و برابری و جمهوری سوسیالیستی قرار دارد. این آلترناتیو که به وسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود پاسخ واقعی به خواستها و آمال واقعی توده مردم ایران برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی است.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸
